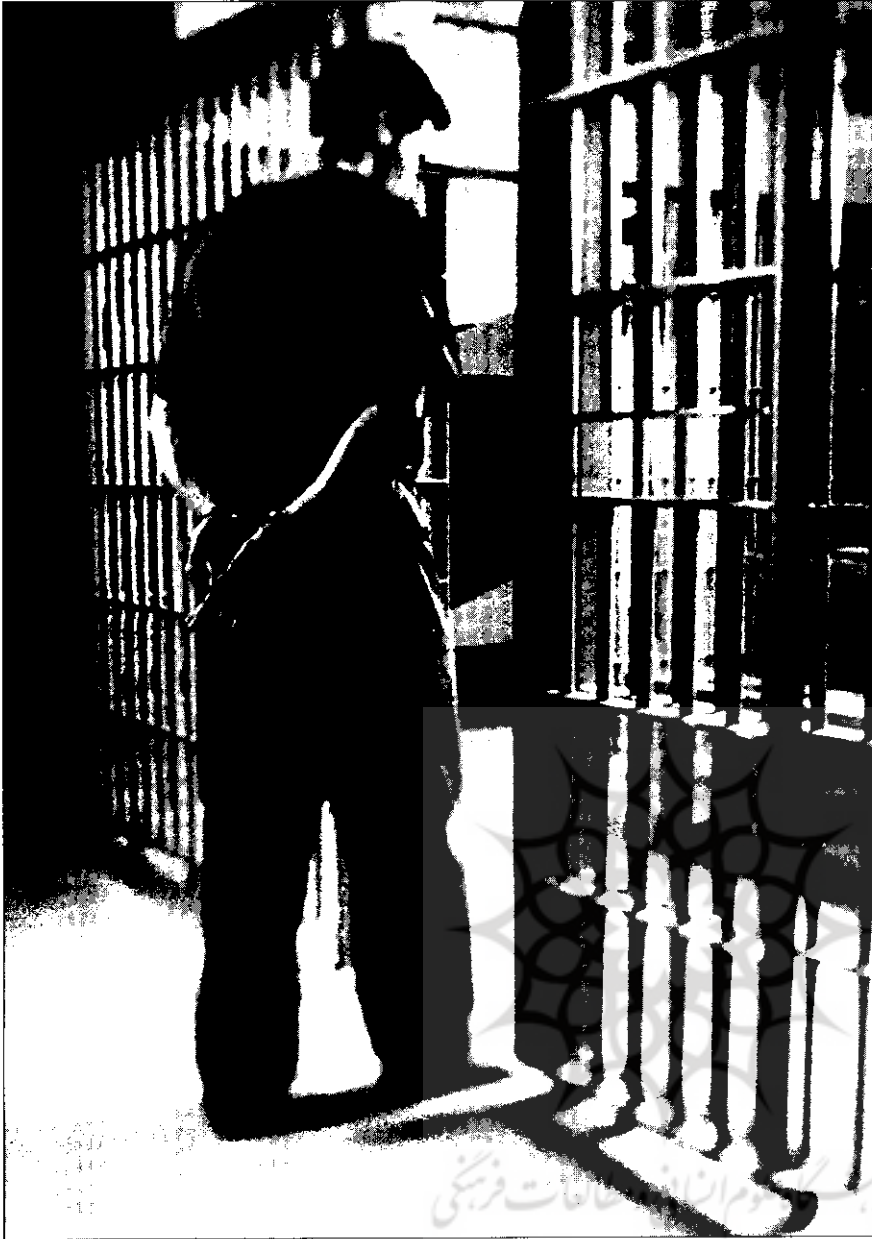


کاهش جمعیت کیفری، چرا؟



تقی نیام
کارشناس حقوقی

هم جنبه بازدارندگی و هم جنبه تردیلی، از جهتی نیز محلی بود به گونه‌ای که حکومت‌ها می‌توانستند با نگهداری بخش از مجرمین خطرناک، جامعه را از لوث حضور آنان (محکومین به اجس ابد) و خطرات ناشی از افکار و اعمال ایشان پاک نمایند.

اما در ایدئولوژی اسلامی و نگرش دین مبین اسلام به اصول فلسفه مجازات‌ها همواره توجه خاصی به آگاهی بخشی و تعلیم، تربیت و اصلاح انسان‌ها مبذول گردیده است و مجازات را اصولاً نه فقط با هدف انتقام جویی بلکه به عنوان

نظر از اصول فلسفه مجازات‌ها و معیارهای تعریف شده در حقوق کیفری نسبت به مجرمین اعمال می‌شد که یکی از مهم‌ترین و فراگیرترین آن‌ها - که مورد توجه قرار گرفت - مجازات حبس به معنی اعم و زندان به معنی اخص بوده است و شاید یکی از عمده‌ترین دلایل توجه به این نوع مجازات مقابله و آزار دادن روحیه آزادی خواهی و محدودیت ناپذیر فطرت بشر باشد.

نگهداری افراد در زندان‌ها از جهات مختلف و متناسب با اصول فلسفه مجازات‌ها دارای ویژگی‌های خاصی بود؛ هم جنبه ارعابی داشت،

یکی از دستاوردهای مهم بشر در راستای برقراری نظم، امنیت و انضباط اجتماعی پس از اعصار مختلف و سیستم‌های مختلف واکنش اجتماعی اعم از دوران دادگستری خصوصی، دادگستری عمومی... استقرار نظام حکومتی و دخالت دولت‌ها در رسیدگی به جرایم و برخورد با مجرمین و استقرار نظم عمومی بود. اما نوع واکنش‌های اجتماعی در برابر پدیده‌ای به نام جرم دارای اشکال مختلفی بود که در جوامع، مختلف و متناسب با فرهنگ و رسوم و عادات اجتماعی و بعدها با توجه به نظام حقوقی صرف

اهرمی برای اصلاح مجرم و فرد خاطی و نجات او قلمداد نموده و تجویز می‌نماید مگر در مواردی که اصلاح پذیری فرد محتمل نبوده و یا شدت و قبح نوع جرم ارتكابی به حدی باشد که حضور فرد مجرم در جامعه به مصلحت نباشد که در این خصوص مجازات‌هایی برای حذف مجرم از جامعه مقرر گردیده است. به همین دلیل است که خداوند متعال در قرآن کریم دیدگاه اسلام و ایدئولوژی اسلامی را در نحوه برخورد با مجرمین به گونه‌ای تعریف نموده که نجات یک انسان را نجات یک جامعه قلمداد می‌نماید (و من احیایها فکانما احیای الناس جمعاً).

لذا نظر به توجه خاص دین مبین اسلام به فلسفه وجودی مجازات و تأثیرات آن در اصلاح مجرمین و گناهکاران و حیات بخشی آن، حساسیت خاصی راجع به مجازات حبس (زندان) داشته و همان گونه که در فرمایشات حضرت آیت‌الله شاه‌رودی نیز مکرراً ملاحظه می‌شود مجازات حبس جز در موارد معدود و انگشت شمار در سایر موارد تجویز نشده است. از طرفی با رشد جوامع بشری و پیشرفت علوم انسانی به آثار و تبعات منفی ناشی از اجرای مجازات حبس و قوف بیشتری حاصل شده و همان گونه که در مسیر تطور تاریخ ملاحظه می‌شود با رشد آگاهی‌های عمومی و آزادی‌های مدنی و توسعه حقوق انسان‌ها و در راستای نشان دادن احترام به حقوق شهروندی توسط حکومت‌ها در اولین اعلامیه حقوق بشر بعد از انقلاب کبیر فرانسه یکی از اصولی ترین مسائلی که مورد توجه قرار گرفت مبحث آزادی‌های مدنی و پاسداری از حریم آن صرف نظر از نوع آزادی بوده است و پس از تشکیل جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد در منشور ملل متحد و میثاق‌ها، قوانین و مقررات مختلف بین‌المللی، مبحث زندان و زندانیان و حقوق آن‌ها به عنوان بخشی از افراد جامعه مورد توجه قرار گرفته است.

اگر چه قرن‌ها پیش از انقلاب کبیر فرانسه و تشکیل جامعه ملل و اعلامیه حقوق بشر دین مبین اسلام در تعالیم حیات بخش خود به مبحث حقوق بشر و آزادی انسان‌ها پرداخته و توجه

با رشد آمار جمعیت و بالطبع رشد جرایم و افزایش تعداد زندانیان، زندان‌ها به عنوان ممل نگهداری مجرمین از جهات توسعه فیزیکی و امکانات، پیشرفت مطلوبی نداشته و علیرغم پیشرفت دیدگاه‌های زندانبانی و نحوه نگارش قواعد و مقررات چگونگی نگهداری زندانیان امکانات و فضای مناسب برای اجرای برنامه‌های مقرر در آیین نامه زندانبانی در زندان‌ها ایجاد نگردیده است

خاصی نموده است تا جایی که عنصر اصلی مسئولیت انسان در برابر خداوند متعال را آزادی و اختیار اعلام نموده و این مبحث سالیان متمادی پس از ظهور اسلام موضوع مباحثه و تحقیق و جدل‌های فلسفی تحت عنوان جبر و اختیار بین فلاسفه، دانشمندان، فقها و متکلمین اسلامی بوده است.

علاوه بر مسائل معنونه فوق به هر تقدیر زندان به عنوان پدیده‌ای اجتماعی صرف‌نظر از ابعاد مختلف منفی و یا مثبت آن وجود دارد و نگهداری زندانیان در داخل زندان‌ها از قواعد و مقررات و اصول خاصی پیروی می‌نماید که با پیشرفت جوامع انسانی و آزادی‌های مدنی توجه ویژه‌ای به چگونگی مدیریت آن شده است تا جایی که یکی از معیارهای اصلی ارزیابی دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد از وضعیت حقوق بشر در کشورها، وضعیت زندان‌ها و زندانیان هر کشور است که در گزارش نمایندگان خود از کشورها تشریح می‌شود.

با کمی دقت در وضعیت زندان‌ها از بدو تأسیس آن (به شکل نظامند) از اواخر عهد قاجار تا کنون همان گونه که ملاحظه می‌شود علی‌رغم پیشرفت روزافزون علم زندانبانی و توجه سیستم حکومتی به زندان‌ها و توسعه نگاه‌ها از زندانیان به

خانواده و اطرافیان زندانی (حمایت از آنان) و پیش بینی اقدامات تأمینی و تربیتی و ادامه روند آن حتی پس از آزادی، متأسفانه قوانین کیفری در کشور ما بیشتر توجهات خود را معطوف به مجازات زندان نموده و با غفلت از مبانی فقهی دلایل اجرای این نوع از مجازات و به تائی از رویه ایجاد شده قانون گذاری قبل از انقلاب و قرار دادن مجازات زندان در صدر فهرست مجازات‌های اعمالی در برابر جرایم و بدون توجه به تبعات ناشی از زندانی شدن افراد در انواع جرایم مهم و غیر مهم مجازات زندان را با شدت و ضعف مختلف تجویز نموده‌اند.

از طرفی هم با رشد آمار جمعیت و بالطبع رشد جرایم و افزایش تعداد زندانیان، زندان‌ها به عنوان محل نگهداری مجرمین از جهات توسعه فیزیکی و امکانات، پیشرفت مطلوبی نداشته و علیرغم پیشرفت دیدگاه‌های زندانبانی و نحوه نگارش قواعد و مقررات چگونگی نگهداری زندانیان امکانات و فضای مناسب برای اجرای برنامه‌های مقرر در آیین نامه زندانبانی در زندان‌ها ایجاد نگردیده است تا جایی که با کمی تأمل در وضعیت ساختار فیزیکی و فضای زندان‌ها ملاحظه می‌شود بیش از نیمی از زندان‌های موجود در کشور فرسوده و یا قدمتی بالغ بر پنجاه سال داشته و یا دارای فضای کافی حتی برای نگهداری زندانیان نمی‌باشند و اغلب، بازداشتگاه‌ها و بخش‌های متنوع شده از شهربانی و سیستم‌های امنیتی سابق هستند که با تصویب قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در سال ۱۳۶۴ تبدیل به زندان شده‌اند.

علی‌هذا با توجه به واقعیت‌های معنونه فوق مدیریت زندان‌ها با کاستی‌ها و دشواری‌های بسیاری مواجه است که رسیدن به اهداف پیش بینی شده اصول فلسفه مجازات‌ها در دین مبین اسلام را که همانا اصلاح و تربیت واقعی مجرمین و بازگرداندن آنان به آغوش جامعه می‌باشد اگر متعذر هم ننموده باشد بسیار سخت کرده است و در وضعیت فعلی که نظام سلطه جهانی به سردمداری ایالات متحده آمریکا



روند رو به رشد آمار زندانیان با روال موجود به مصلحت نبوده و زینده نام کشور اسلامی ما نیست و چنان چه آمار زندانیان در مقایسه با فضاها و امکانات متناسب گردد توفیقات صد چندان حاصل خواهد گردید.

با توجه به واقعیت‌های موجود ریاست محترم قوه قضاییه با دید جامع و نافذ فقهی خود در سیاستگذاری کلان دستگاه قضایی و تنظیم سند چشم‌انداز بیست ساله نظام در امور قضایی و برنامه پنج ساله توسعه یکی از اصول سیاست‌های توسعه قضایی را کاهش جمعیت کیفری با توسل به اهرم‌هایی نظیر جرم زدایی، قضا زدایی و زندان زدایی مطرح فرمودند و در راستای تحقق این سیاست‌ها برنامه‌هایی را برای اصلاح و بالایش قوانین کیفری، احیای دادسراها و راه‌اندازی شوراهای حل اختلاف طراحی نموده که عموماً طی لوایحی به مجلس شورای اسلامی تقدیم، تصویب و به اجرا در آمده (قانون احیای دادسراها و مواد (۱۸۷) و (۱۸۹) قانون سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی). همچنین برای جلوگیری از توسعه بی‌رویه گستره حقوق کیفری (قضا زدایی) برابر بند «الف» ماده (۱۳۰) قانون برنامه چهارم توسعه، قوه قضاییه مکلف گردیده لایحه جرم زدایی از قوانین کیفری به منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم‌انگاری و توسعه مفهوم جرم به تخلفات کم‌اهمیت را تهیه و تقدیم مجلس

جایزه موفق به دریافت سه جایزه در زمینه «مدیریت مجرمین»، «مقابله با ایدز و مداخلات درمانی» و «اجرای برنامه‌های کاهش آسیب» گردید و سازمان بهداشت جهانی نیز روش‌های به کار رفته در زندان‌های ایران برای اصلاح مجرمین را به عنوان الگوی جهانی معرفی و به عنوان یک سند در سازمان بهداشت جهانی ثبت کرد. لذا علی‌رغم توفیقات حاصله و واقعیت‌ها و تنگناهای موجود موید این امر می‌باشد که ادامه

از زمان تشکیل ستاد سیاستگذاری و برنامه ریزی کاهش استفاده از مجازات زندان و اجرای برنامه‌های آن در قالب سه کمیته آموزش، پژوهش و تبلیغات و اطلاع‌رسانی و به همت قضات ممتزم فرهنگ ممانع بردستگاه قضایی کم‌کم در حال دگر دیسی و تغییر مثبت می‌باشد که ماصل آن توقف رشد آمار زندانیان بالأخص آمار ورودی‌هاست.

مترصد کوچکترین فرصت‌ها برای به زیر سؤال بردن تمامی اقدامات و فعالیت‌ها و مدیریت امور و ایدئولوژی اسلامی است از اهرم‌هایی نظیر نقض آزادی‌های مدنی، حقوق مطبوعات و حقوق زندانیان و... نهایت سوء استفاده را نموده تا کلیه ضعف‌ها را در مجامع بین‌المللی متوجه ناکارآمدی ایدئولوژی اسلامی در شووئات مختلف امر حکومت‌داری و سیستم حکومتی نظام جمهوری اسلامی ایران نماید تا جایی که در سال‌های اخیر مکرراً شاهد گزارشات کذب و غیر واقعی دیدبان حقوق بشر در خصوص وضعیت زندان‌های کشورمان بوده‌ایم و این در حالی است که اقدامات و خدمات فرهنگی، روانشناختی، بهداشتی و درمانی و... معمول در تمامی زندان‌های میهن اسلامی اعم از کلاس‌های مختلف آموزشی و فرهنگی تا دانشگاه و در یک کلام فعالیت‌های صادقانه انسان‌ساز و آرمان‌گرا مؤید اقدامات زیر بنایی و اصلاحی صورت پذیرفته در سیستم زندانبانی کشورمان در سال‌های پس از انقلاب شکوهمند اسلامی بوده که توسط هیأت‌های بازدیدکننده زندان‌ها از کشورها و مجامع مختلف بین‌المللی به تأیید رسیده است و به همین سبب سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشورمان در نهمین اجلاس زندان‌ها و مراکز اصلاحی جهان که ۲۹ مهر ماه تا ۴ آبان ماه سال جاری در کشور تایلند برگزار شد از بین هشت



شورای اسلامی نماید و بدین ترتیب مانع گسترش محدوده حقوق جزا و مالاً جلوگیری از تضییع حقوق و آزادی‌های عمومی گردد و پیرو آن هم در بند «ب» ماده مرقوم قوه قضاییه موظف به تهیه لایحه مجازات‌های جایگزین زندان شده که این لایحه پس از تهیه هم اکنون در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در حال بررسی می‌باشد. همچنین ریاست محترم قوه قضاییه طی حکمی دستور تشکیل ستاد سیاست‌گذاری و برنامه ریزی کاهش استفاده از مجازات زندان را صادر و پس از تشکیل ستاد مذکور ریاست محترم سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز به تقویت این دیدگاه و توجه به مبحث کاهش استفاده از مجازات زندان و کاهش آمار زندانیان در زندان‌های سطح کشور با صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مختلفی تأکید ورزیدند تا جایی که یکی از اولویت‌های برنامه‌های سازمان زندان‌ها را مبحث مربوط به کاهش جمعیت زندانیان اعلام نمودند.

خوشبختانه پس از تشکیل ستاد مذکور و با توجه به مطالعات صورت پذیرفته در زندان‌های سطح کشور، واقعیت‌ها نشانگر این مطلب بود که بخشی از آمار زندانیان در زندان‌ها را مجرمین جرایم غیر عمد نظیر تصادفات رانندگی، بدهکاران مالی اعم از دیه، مهریه و چک و... تشکیل می‌دهند که بسیاری از آن‌ها مرتکب جرم نشده و در اجرای ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به زندان‌ها معرفی شده‌اند و در حقیقت به هیچ عنوان محکوم به تحمل مجازات زندان نگردیده ولیکن حبس می‌کشند و تبعات ناشی از آن گریبان گیر خود و خانواده آنان است.

به هر حال بازندانی شدن ایشان علاوه بر لطمات جبران‌ناپذیر روحی و روانی و حیثیتی وارده بر زندانی در حقیقت خانواده وی نیز با دست دادن یکی از اعضای خود بالأخص در مواردی که زندانی سرپرست خانوار باشد (که اکثریت قریب به اتفاق زندانیان افراد تحت تکفل دارند) حامی مالی و پشتوانه اقتصادی و روحی خود را از دست می‌دهند و کم‌کم این امر باعث تزلزل در ارکان خانواده و ایجاد سایر مشکلات گردیده

از آمار زندانیان در زندان‌ها را مجرمین جرایم غیر عمد نظیر تصادفات رانندگی، بدهکاران مالی اعم از دیه، مهریه و چک و... تشکیل می‌دهند که بسیاری از آن‌ها مرتکب جرم نشده و در اجرای ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به زندان‌ها معرفی شده‌اند و در حقیقت به هیچ عنوان محکوم به تحمل مجازات زندان نگردیده ولیکن حبس می‌کشند و تبعات ناشی از آن گریبان گیر خود و خانواده آنان است.

به صورتی که افراد آن خانواده را در شرایط جرم‌زا و سخت قرار داده و در مظان ارتکاب جرایم مختلف متناسب با نوع احتیاجات جسمی و روحی و اجتماعی افراد خانواده و طرد شدگی اجتماعی قرار می‌دهد، لذا دور و تسلسلی ایجاد می‌شود که جرم هم علت و هم معلول واقع می‌گردد و باعث ایجاد جرایم و مجرمین بیشتر و بیشتر می‌گردد و با ادامه این روند جامعه شاهد رشد آمار کسانی خواهد بود که یا خود بر چسب مجرم بودن را بر پیشانی خود می‌بینند و یا در سایه سابقه‌دار بودن یکی از اعضای خانواده دچار یأس، افسردگی، سرافکنندگی و... می‌شوند و بدین ترتیب سلامت روانی جامعه دچار تنش و اضمحلال می‌گردد. از طرفی کثرت عناوین مجرمانه در قوانین کیفری دلیلی است برای افزایش اعمال مجرمانه و رشد آمار پرونده‌های کیفری و شلوغی محاکم و دادسراها که این امر در جایگاه خود به نوعی (خود به عنوان یک علت) علاوه بر سلب آسایش روانی افراد جامعه از محدودیت‌های کیفری که می‌توانستند محدودیت مدنی باشد، راندمان کیفی رسیدگی به پرونده‌ها را در محاکم کاهش می‌دهد، پلیس و عوامل دست‌اندرکار نظم عمومی مجبور هستند تحت عناوین مجرمانه بیشتری تعداد زیادتری از متهمین را تحت تعقیب قرار دهند که

بسیاری از آن‌ها به دلیل کثرت امور و پرونده، کشف و گزارش نشده و تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند؛ دولت و قوه قضاییه مجبور است تمرکز بیشتری را به لحاظ نیروی انسانی و اعتبارات مصروف رسیدگی و نگهداری مجرمین در این وضعیت نماید و هزینه بیشتری از بیت‌المال را صرف تعقیب، دستگیری، رسیدگی و مجازات کسانی نماید که پرونده آن‌ها می‌توانست به صورت جرم مدنی رسیدگی شده و با اعمال محدودیت‌های مدنی و مجازات‌های محدود کننده آزادی رسیدگی و مختومه شود و در نهایت قوه قضاییه و نیروی انتظامی می‌توانستند با فراغت بیشتری با اقدامات پیش‌گیرانه برای جلوگیری از وقوع جرم بپردازند و برنامه‌های مدونی را برای این امر تدارک بینند. لذا بنا به دلایل معنونه و بسیاری از دلایل که در این مجال فرصت طرح و بررسی آن‌ها نیست ایجاب می‌نمود که در سیاست کیفری کشور بالأخص در بخش حاکم بر جمعیت کیفری (اعم از مجرمین به معنی اعم و زندانیان به معنی اخص) تغییراتی حاصل گردد که با اقدامات صورت پذیرفته در قالب سیاست‌های توسعه قضایی حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی شکل عملی به خود گرفته است.

از زمان تشکیل ستاد سیاست‌گذاری و برنامه ریزی کاهش استفاده از مجازات زندان و اجرای برنامه‌های آن در قالب سه کمیته آموزش، پژوهش و تبلیغات و اطلاع‌رسانی و به همت قضات محترم فرهنگ محاکم بردستگاه قضایی کم‌کم در حال دگر دیسی و تغییر مثبت می‌باشد که حاصل آن توقف رشد آمار زندانیان بالأخص آمار ورودی‌هاست. امید است با همکاری تنگاتنگ تمامی دست‌اندرکاران امر اعم از دستگاه قضایی و زندان‌ها، دانشگاه‌ها و... شاهد کاهش مستمر جمعیت کیفری و زندانیان و تبعات ناشی از زندانی شدن افراد باشیم تا آن‌ها... در سایه الطاف الهی و توجهات خاص ولی عصر (عج) ضمن مجازات نمودن مجرمین واقعی از توسعه روند مجرم تراشی و افزایش آمار جامعه افراد سابقه‌دار که آمادگی جرایم بعدی را خواهند داشت، جلوگیری نماییم.